

سال دوم

جلسه ۱۴

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

شنبه ۲۲ / ۷ / ۹۰

اقوال

اقوال در «معنای حروف»

حرف و اسم  
در معنا، مختلف هستند

حرف و اسم  
دارای معنای واحدی هستند

حرف دارای معنا نیست

قول نهائندی

قول نجم الاثمه

قول ایروانی

تقریر سوم

تقریر دوم

تقریر اول

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

حرف و اسم  
معنای واحدی دارند

قول اول

حروف  
دارای معنی نیستند

تقریر سوم

شیخ رضی، چه می گفت؟!  
«حرف به **تنهایی** معنا ندارد»

۲ نکته

علت اشتباهات در نسبت دادن این قول به شیخ رضی:  
عدم توجه به کلام شیخ

شیخ رضی نوشته : «حرف معنا ندارد»  
بلکه شیخ رضی نوشته : «حرف به تنهایی معنا ندارد»

مصطفی  
جمال  
الدین

مراد شیخ :  
«فعل و اسم و حرف» هر کدام معنایی «افرادی» دارند در مقابل معانی ای که در ترکیب ها دارند.  
اما :

معنای افرادی «اسم و فعل» : **مستقل** است  
معنای افرادی «حرف» : **مستقل نبوده** و عین معنایی است که در ترکیب دارد

۱. وجود «تهافت» در کلام ایشان

ما  
می گوئیم

۲. این تقریر شیخ را از قائلین به «معنا دار بودن حروف» می داند  
پس باید در طایفه دوم بررسی شود

حروف بدون واسطه = بر هیچ معنایی دلالت نمی کنند  
حروف با واسطه «اسم و فعل» = دارای معنا می باشند

۱. «وضع ابتدائی» : بر معنای «مهملی» دلالت می کند

«اسم و فعل» دارای دو وضع می باشد:

۲. «وضع ثانوی» : به واسطه «حرف»، معنای مهمل، مقید  
به «فردی جزئی» می شود.

دار = به معنای «مهمل منزل» است  
اما :

«ضرب زید فی الدار»، اشاره به «ظرفیت دار» برای «ضرب» دارد

پس : وضع حروف به «وضع ثانوی اسم و فعل» بر می گردد

درک «معنا دار بودن یا معنا دار کردن» کلمات، در حوزه «فهم عرفی» است  
«عرف» اسماء را دارای دو وضع نمی داند

قول  
نهاوندی

ما  
می گوئیم

اقوال در بحث حروف

قول سوم

حرف و اسم  
در معنا  
با هم مختلف اند

قول دوم

حرف و اسم  
معنای واحدی دارند

قول اول

دارای معنا نیستند

بررسی حرف

نکته مقدماتی (۱)

کسی در حروف قائل به «وضع عام ؛ موضوع له عام» است :

- ممکن است : اسم و حرف را دارای معنای واحد بدانند

- ممکن است : اسم و حرف را دارای معنای واحد ندانند

کسی «اسم و حرف» را دارای معنای واحد می داند :  
حتماً حرف را دارای «وضع عام ؛ موضوع له عام» می داند

نکته مقدماتی (۲)

مرحوم آخوند خراسانی :

قائل به هم معنا بودن «حرف و اسم» است

مدعای مرحوم آخوند

گروهی توهم کرده اند که :

وضع در حروف، از نوع «وضع عام ؛ موضوع له خاص» است

گروهی توهم کرده اند که :

وضع در حروف، از نوع «وضع عام ؛ موضوع له عام ؛ مستعمل فیه خاص» است

نظر ما :

وضع در حروف، از نوع «وضع عام ؛ موضوع له عام ؛ مستعمل فیه عام» است

روش استدلال :

مرحله اول : اثبات عام بودن «مستعمل فیه»

مرحله دوم : اثبات عام بودن «موضوع له» با توجه به عدم قول به «موضوع له خاص ؛

مستعمل فیه عام»